

فکر نو

ماهنامه

۱۰

دینی، فرهنگی، ادبی، اجتماعی و سیاسی

صاحب امتیاز: محمد رسول اعتماد 0795353211

مدیر مسوول: محمدنصیر توکلی fekrenow21@gmail.com/ tawakuli@yahoo.com/0795344913

معاون مدیر مسوول: عبدالکبیر صدیقی ۰۷۹۶۶۹۳۶۵۳

ویراستاران: عبدالرزاق احمدی و میراجان راسخ

برگ آرای: ضیاءالحق عرفانی

گزارشگر: غلام علی غفوری ۰۷۹۳۶۸۹۹۲۵

گروه نویسنده گان: عبدالباقی وفا و نور محمد نور

✓ ماهنامه‌ی فکر نو، منتظر مطالب علمی و فرهنگی قلم به دست عزیز می باشد.

✓ ماهنامه‌ی فکر نو، در ویرایش مطالب ارسالی دست باز دارد.

✓ جز سرمقاله، مسوولیت هر نوشته به دوش نویسنده‌ی آن می باشد.

سال دوم

شماره دهم

قوس ۱۳۹۳

دسامبر ۲۰۱۴

ص ۱

یک راهپیمایی اما چند برداشت

غوغای تظاهرات و هیاهوی تعدادی از شهروندان غور، به تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ شهر فیروزکوه مرکز این ولایت را یکبار دیگر به صدا درآورد. آنچه در پیوند به این راهپیمایی و تظاهرات گفتنی و قابل توجه است این است که برداشتها و انعکاس‌های گوناگونی از این راهپیمایی در رسانه‌ها و شبکه‌های خبررسانی، به چشم می‌خورد؛ مثلاً: در وبسایت جام غور موضوع چنین انعکاس یافت: «تعدادی از شهروندان فیروزکوه به رهبری سیما جوینده وکیل مردم غور در پارلمان علیه سرپرست ولایت غور و قوماندان امنیه‌ی آن ولایت مبنی بر خطاندازی و توزیع نمره‌های رهائشی شهرک معلمین تظاهرات نمودند، این تظاهرکنندگان می‌گفتند که زمین، ملکیت شخصی است و دولت حق توزیع آن ندارد...» رادیو سرحد نوشته بود: «صبح امروز تعدادی از باشندگان شهر فیروزکوه که خود رامالک اصلی زمین‌های شهرک معلمین می‌دانند... به جاده‌های این شهر ریختند و تعدادی از زنان به شمول سیماجوینده وکیل مردم غور در پارلمان که در بین آنها بود، چادرهای خود را به آتش زده اند و حرکت اداره‌ی محلی غور را غیر عادلانه خواندند...» شورای سرتاسری علمای غور در پیوند به همین تظاهرات - یک روز پس از راهاندازی همین راهپیمایی - قطعنامه‌ی را صادر کرده و راهپیمایی‌های که با توهین و تحقیر افراد همراه باشند و مسایل قومی را دامن زنند، به شدت محکوم نمود. همچنان گفته می‌شود که از طرف فرماندهی پولیس غور نیز کسانی تحریک شده بودند تا به هر قیمتی شده راهپیمایی را لغو کرده و مظاهره‌چیان را پراکنده نمایند.

اما سیما جوینده نماینده‌ی مردم غور در پارلمان - که رهبری مظاهره را به عهده داشت - خاطرنشان می‌کند که راهپیمایی آنها هیچ ارتباطی به زمین‌های شهرک معلمین نداشته و هدف اساسی این تظاهرات را بی‌کفایتی و سهل‌انگاری سرپرست ولایت غور، فرماندهی پولیس این ولایت و دفاع از حیثیت و حقوق مردم غور عنوان کرد.

اما دیری نگذشت که یک تصویر از نشستی که در آن سرپرست ولایت، قوماندان امنیه، سیما جوینده، رییس شورای ولایتی و تعدادی از منتقدین حضور داشتند، در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد و گفته شد که بعد از تمام کشمکش‌ها و تلخ‌گویی‌ها به آدرس یک‌دیگر، دور میز آشتی نشسته و باهم صلح و آشتی کرده اند.

اما سوال این‌جاست که چه علتی وجود داشته تا یکی بر آدرس دیگری تلخ بگوید و یا از طرف مقابل توطیه و تهمت بشنود؟ و باز چه پیوند واژه‌ی موجود بوده و چه نیازی احساس می‌شده که دوباره بین آنها آشتی و صلح برقرار گردد؟ اگر هدف و مقصد اساسی حقوق و حیثیت مردم باشد که نیازی به این جریان‌های هدفمندانه نیست؛ باز هم ملت است و قضاوت!



ساحات سبز و مافیای زمین

|| جمشید احمدی ||

اگر نگاهی اجمالی بر نقشه‌ها، انکشاف شهرها، شهرسازی و به‌سازی روند اجتماعی و زندگی امروزی مردم داشته باشیم، به خوبی در می‌یابیم که در بسا نقاط جهان و شهرهای بیشتر و کمتر انکشاف یافته، همیشه در شهرسازی و شهرنشینی آنچه را که می‌تواند شکل و شمایل یک شهر و نقشه‌ی شهری را از لحاظ مهندسی و محیط زیستی بهتر و زیباتر به نمایش بگذارد همان نیازهای است که در گذشته‌ها تجربه شده. این محاسن در شهرسازی کدام‌ها می‌تواند بود؟

هرچند من، نه مهندس و نه هم تجربه‌ی شهرسازی را دارم ولی آنچه می‌نویسم تجاربی است که در سال‌های پسین دیدم و حالا هم برایم تجربه می‌شود. شما می‌دانید که شهر و انکشاف شهری و به خصوص مراکز شهرها و نقشه‌های شهری، برای زندگی چندین دهه و رفع نیازهای اجتماعی طرح‌ریزی و تطبیق می‌گردد. نمی‌خواهم روی چگونگی ساختار تخنیکی نقشه‌ی فعلی شهر خودمان یعنی فیروزکوه بپیچم اما به لحاظ شکلی می‌توان گفت که این شهر به صورت زیبا و بهتر در همان اوایل، دیزاین و طرح‌گریده بود و به یاد داشته باشید که در نقشه‌های شهری آنچه که باعث می‌شود تا طرح بهتر و خوشر داشته باشد و بتواند نیازمندی‌های عامه را رفع سازد همان محلات چون: مسجد، سرک، پارک، مکتب و ساحات سبز، منابعی است که به صورت عامه و همه‌گانی از آن استفاده صورت می‌گیرد که نه تنها دولت و حکومت‌ها برای ساخت و طرح آن مسوولیت دارند بلکه وجیهی زندگی گروه‌ها و افراد است که برای سال‌های متمادی در آن مکان‌ها زندگی اجتماعی و گروهی خویش را سپری نمایند و به اساس همین اهمیت است که هیچ‌گاهی در نظام‌های قانون‌مند کسی نمی‌تواند بر تعدیل آن مانند چین پوشان ما و شما اقدام کند.

همان‌طوری که در سطور قبل یادآور شدم، شهر فیروزکوه با همان وسایل دست‌داشته‌ی وقت، به صورت خوب و بهتر طرح و دیزاین گردیده بود که حالا هم تمام اسناد و مدارک آن در مراجع ذیربط آن وجود خواهد داشت. اما وجود سال‌های جنگ و بدبختی، بعد‌ها به میان آمدن حکومت موقت و کنونی در بسا موارد باعث آن شده تا بسیاری از استفاده‌جویان و فرصت طلبان، به رنگ‌های چون: بزرگ فلان تبار و قوم، قوماندان سابقه و یا هم مُد روز، وکیل و سناتور، دست‌ها برکشیده و پاها لوچ در پی آن افتادند تا ساحات سبز و

و اماکن عامه را که از دیدن متخصصین امور یعنی انجینیران و مهندسان برای استفاده‌ی عموم مردم نگهداری گردیده و به باور این بزرگ‌ها جاهای مناسب برای ساختن دکان، خانه و تانک تیل است و یا پول گزاف از توزیع آن به دست می‌آید را با مراجعه به وزارت خانه‌ها و مراجع مربوط، تعدیل و برای منفعت شخصی خود‌ها استفاده نمایند که موارد مشابه زیادی را همگان شاهد آن هستیم، ولی توقع آن بود تا در این اواخر روند حکومت‌داری و حاکمیت دولتی بتواند از تعدیل و توزیع ناجایز و غیر قانونی این ساحات عامه بکاهد.

اما آنچه را مطلق‌العنانی و خودکامگی روند مرکزی و سلطه‌ی مرکزی بر محلی باعث شده، این روزها باز هم عده‌ی از همان دلالان قرن، می‌خواهند تا ساحات مشخصی را که از دید خودشان برای پرکردن جیب و خورجین‌ها مفید تمام می‌شود بی‌آنکه عامه‌ی مردم در جریان باشند، از طریق مراجع مربوط تعدیل بدارند تا بتوانند باز هم از همین پول‌ها برای سرگردانی مردم استفاده گسترده‌ی کنند.

این عمل نه تنها مورد پذیرش همه‌گان نبوده بلکه نقض صریح قوانین نافذ و فرامین موجوده‌ی مملکت می‌باشد و من باور دارم که حد اکثر مردم و اهالی محترم شهر فیروزکوه با آن موافق نبوده و قاطعانه مخالف آن هستند، به‌طور مثال شما به توزیع زمین پیش روی شفاخانه‌ی ولایتی به عنوان یک مرجع عامه موافق هستید؟ که باور دارم هرگز! بنابراین توقع می‌رود تا همه‌ی ما دست به‌دست هم داده و از روندهای که نه تنها زندگی امروزی ما بلکه حیات نسل‌های بعدی را در این شهر به تهدید مواجه می‌سازد، پیش‌گیری نموده و در برابر هر زورگو و معامله‌گری ایستاد شویم تا باشد شهرمان را که همان خانه‌ی ماست، از خطرات محیط زیستی و نازیبایی نجات داده و مسوولیت دینی و میهنی خویش را در برابر بچه‌های آینده‌ی این شهر ادا نموده باشیم.

رادیو صدای فیروزکوه (87.5 FM)

----- || عبدالصبور نادم || -----

رادیو صدای فیروزکوه یک رادیوی مستقل، آزاد و غیر وابسته به کدام سازمان دولتی و غیر دولتی می‌باشد که در ولایت غور مرکز شهر فیروزکوه فعالیت دارد. فعالیت نشراتی این رادیو مستقیم ۳۰۰ کیلومتر می‌باشد که بیشترین قریه‌ها و مناطق این شهر را تحت پوشش نشراتی خود قرار داده است. رادیو صدای فیروزکوه طبق لزوم دید جامعه و پیشنهاد اعضای موسس این نشریه‌ی صوتی و منظوری مقامات ذیصلاح به تاریخ ۹ عقرب ۱۳۹۳ جواز فعالیت کار را اخذ نموده است. رادیو صدای فیروزکوه قبل از اینکه جواز کاری خویش را اخذ بدارد، دو ماه پیش از اخذ جواز طور امتحانی در شهر فیروزکوه نشرات خود را آغاز کرد.

رادیو صدای فیروزکوه یگانه رادیو در شهر فیروزکوه می‌باشد که بیشترین شنونده را به خود جلب نموده است که اکنون حدود ۷۰ فیصد مردم شهر فیروزکوه، مناطق تحت ساحه‌ی پوشش، علاقه‌مند این رادیو هستند. این رادیو، برنامه‌های دینی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، معلوماتی، آموزشی، ادبی و تفریحی را به طور روزمره به نشر می‌رساند؛ چند برنامه را طور نمونه یادآور می‌شویم:

پیام ناب (دینی)، گفتگو (سیاسی)، هنر و فرهنگ (فرهنگی)، زن و زندگی (اجتماعی و معلوماتی)، آزمون (آموزشی)، شقایق ادب (ادبی) و بامداد فیروزکوه (تفریحی). برنامه‌های موجود در این رادیو توسط اشخاص ورزیده و توانا اعم از ذکور و اناث گرداننده گی می‌شود که در هفته، هفت روز و روزانه ۱۰ ساعت طور متواتر نشرات دارد. در ساعات نشراتی رادیو صدای فیروزکوه نشر هر نوع اعلانات تجارتي امکان پذیر است.

قواعد درست نویسی | علامت ندا:

علامت ندا برای بیان حالات هیجانی در موارد ذیل استعمال می‌شود:

نخست - پس از کلمه ها و جمله های ندایی؛ مثلن: خدایا! بیش از این اعتراف واضحی درباب ناتوانی کسی وجود ندارد.

دوم - در هنگام اظهار تعجب؛ مانند: عجب سخنی! آیا راست می‌گویی؟

سوم - برای اظهار تأثر پس از کلمه های: آه! دریغا! به قول مسعود سعد سلمان: دریغا! جوانی و آن روزگار/ که از رنج پیری دل آگه نبود

چهارم - در هنگام اظهار خوشی و حالات هیجانی؛ مانند: اوه! چقدر از دیدن شما خوش شدم.

پنجم - برای تمسخر و یا شوخی و آنهم همراه با ندایه علامت پرسش نیز می‌آید؛ مثلن: در مورد شخص نادان گفته می‌شود: اینست دانشمند نامور و نویسنده توانا؟! این نشانه در مقام تحسین، تنبیه، تاسف و خطاب نیز به کار برده می‌شود، مثلن درین جملات:

آفرین پسر! به لیاقت افتخار دارم، که از موارد تحسین است.

تعجب: به به از آفتاب عالمتاب! یا: شانه بر زلف پریشان زده ای به به به!

تنبیه: زنهار میازار زخود هیچ دلی را!

تاسف: ای وای من! که قصه دل ناتمام ماند.

خطاب و ندا: برادر گرامی ام! چنانکه در این بیت. ای دوست! برو به هر چه داری. یاری بخر و به هیچ مفروش.

یادآوری: اگر علامت پرسش و تعجب در عبارت و جمله‌ی باهم به کار روند، بعضن جمله هم مفهوم تعجب و شگفتی خواهد داشت و هم مفهوم پرسشی: یارب این زنده گی بی سروسامان تاکی؟! زنده گانی همه بادیده‌ی گریان تاکی؟! چه شد که بار دگر یاد آشنا کردی؟! /چرا که شیوه‌ی بیگانه گی رها کردی!؟

زندان جای اضطراب و نگرانی

----- || لیلا لعلزاد || -----

آنچه دید همگانی و برداشت عامه‌ی مردم را نسبت به زندان و زندانیان برملا می‌سازد این است که زندان را جای بدبختی، تباهی و حتا فرجام زندگی تلقی می‌کنند. کسانی هم هستند که یک روز به زندان رفتن را برابر با ختم و آخر دوران زندگی می‌دانند. اما بازدیدی که از زندان ولایت غور داشتم، به این نتیجه دست یافتم آن گونه که برداشت عامه‌ی مردم نسبت به زندان است، تاجای درست، اما وضعیتی که فعلن در حوزه‌ی زندان‌های افغانستان حاکم است، دست آوردها و نتیجه‌های مثبت و منفی زیر را تحویل جامعه می‌دهد:

اول این که: مشکل زندانیان از لحاظ جای بودوباش، مواد غذایی و دیگر نیازهای جسمی، به طور کامل برآورده شده و زمینه‌ی تعلیم و آموزش‌های خواندن و نوشتن، فراگیری حرفه‌های گوناگون و ... برای‌شان آماده است و این دست آورد مثبت را همراه دارد. افرادی که در جامعه جهت ارتقا و بهبود خود نیز سعی و تلاشی دارند اگر در بین این زندانیان باشند، هروقت از زندان آزاد شوند، اگر مدت نسبتن بیشتری را در زندان گذرانده باشند، حتمن خط‌خوان و خط‌نویس می‌شوند و یا مهارت دیگری را فرا می‌گیرند، که این یک نتیجه و دست آورد مثبت است.

دوم این که: شماری از زندانیان کسانی اند که اخلاق ضعیف و وابستگی اجتماعی سردی نسبت به مردم و اجتماع دارند، در هر حال حاضر نیستند انعطافی بپذیرند و یا جهت اصلاح و بهبود خود و زندگی خود گامی بردارند، همچنان در اجتماع به دنبال فساد و بی‌بندوباری می‌گردند، بناءً زندان برای این گونه افراد زندانی، جایی جز مکان بودوباش راحت، تقویه‌سازی و فرستادن مجدد آن‌ها در جامعه، چیز دیگری نیست.

از سوی دیگر، بنا بر گفته‌ی زندانیان طبقه‌ی اناث: عدم رسیدگی به پرونده‌های مربوط شان آنها را در وضعیت سردرگم و نگران کننده‌ی قرار داده و همچنان نبود رخت خواب مناسب و توجه درست به محل بود و باش آن‌ها از جمله مشکلاتی اند که برای آنها نگران کننده به نظر می‌رسد. پس زندان علاوه بر این که جای تنگ‌دلی، اضطراب و نگرانی برای زندانی است، برای هر دسته از افراد زندانی، دست آوردهای مثبت و منفی خود را نیز تحویل جامعه می‌دهد.



تنها پلی که طی ۱۳ سال یادی از آن نشد

در مرکز ولایت غور - شهر فیروزکوه- طوری که همه گان مشاهده می‌کنند، یک پایه پُل عبور و مرور وجود دارد که نهایت باریک و برای عبور تمام شهروندان فیروزکوه، از یک سمت به سمت دیگر، به هیچ عنوان کافی نمی‌باشد و عموم مردم این شهر - اعم از سوار و پیاده- حین عبور از این مسیر، با دشواری‌ها و نگرانی کامل روبه‌رو می‌شوند.

طول ۱۳ سال حکومت انتخابی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، پروژه‌ها و کارهای انکشافی چشم‌گیری در این ولایت اجرا شد، اما هیچ‌یک از مسوولین و مقامات ذیصلاح، اقدام به تعمیر و گسترش این عبورگاه همه گانی نکرده و پلانی را در این زمینه روی دست نگرفته است.

گفتنی است که این پل، حدود ... سال قبل به صورت ابتدایی و پهنای ناکافی ساخته شده که مهم‌ترین مسیر پیونددهنده‌ی باشندگان دو سمت هریرود- در شهر فیروزکوه- باهم می‌باشد.



نظر محمد ثاقب ||

قضاوتمند شهید قاضی عبدالمجید فایز فرزند الحاج ملا عبدالغفور نادم در دهم حمل سال ۱۳۵۰ هجری خورشیدی در یک خانواده‌ی متدین و علم پرور دیده به جهان گشود. پدرش در روستای صوفک مربوط مرکز ولایت غور در ۲۰ کیلومتری غرب شهر فیروزکوه زندگی می‌کرد. از اینکه زادگاه وی در نزدیک مرکز ولایت واقع است، در سال ۱۳۵۷ خورشیدی بعد از کودتای سیاه کمونستی، پدرش غرض حفظ نوامس ملی و پاسداری از ارزش‌های عقیدتی، عزم هجرت کرده و در کوهستان‌های ولایت غور و مربوطات ولایات بادغیس و فاریاب هجرت کرد. از همین آوان پدرش در دیار هجرت از یک سو در سنگر جهاد در مقابل حکومت کمونستی وقت به پیکار برخاست و از سوی دیگر به تدریس و تربیه فرزندان خود پرداخت که شهید قاضی فایز نیز علوم ابتداییه و مروج را در خانه، به نزد پدر خویش فراگرفت تا اینکه به سن رشد رسید و در مدارس دینی مربوط ولایت‌های فاریاب، بادغیس و غور به کسب علوم دینی شتافت. در سال ۱۳۷۱ خورشیدی بعد از ایتالاف ملی در کشور، پدر موصوف از دیار هجرت دوباره به زادگاهش عودت کرد و قاضی فایز هم به عنوان کارمند در ریاست حج و اوقاف غور استخدام گردید. در ضمن ماموریت به ادامه‌ی دروس خویش نیز مصروف بود. بعد از مدتی غرض ادامه‌ی تحصیلات خویش به گونه‌ی منظم و درست به ولایت هرات رفت تا آنکه در سال ۱۳۷۶ خورشیدی با ختم دوره‌ی کلان حدیث، تحصیلاتش را به پایه اکمال رساند و از مدرسه به خانه برگشت. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ با تاسیس یک باب مدرسه‌ی دینی مصروف تدریس بود تا اینکه در سال ۱۳۸۰ با ایجاد اداره‌ی موقت در افغانستان به رهبری محترم حامد کرزی، شهید فایز به عنوان قاضی در محکمه‌ی استیناف غور انسلاک قضایی اخذ نمود. فایز مدت ۱۳ سال را در پست‌های مختلف قضایی در مرکز غور، ولسوالی‌ها و ولایات هم‌جوار غور و ولایت غور ولسوالی‌ها و ولایت غور، دو دور به عنوان رییس محکمه شهری ولایت غور، رییس محکمه‌ی ولسوالی دولت‌یار، رییس محکمه‌ی ولسوالی ساغر و هم‌چنان به عنوان عضو دیوان‌های مختلف محاکم غور ایفای وظیفه نمود. قاضی فایز در جریان ۱۳ سال در پست‌های قضایی، سه بار به قصد زیارت بیت الله الحرام عازم کشور سعودی شد.

قاضی فایز به عنوان یکی چهره‌های درخشان علمی و اجتماعی در ولایت غور بود، او ضمن اینکه یک عالم توانا در بخش‌های مختلف شرعیات و علوم اسلامی بود، یکی از شاخص‌های برجسته و قابل توجه وی این بود که در علم میراث از استعداد و هوش خارق العاده‌ی برخوردار بود و رساله‌ی را در علم میراث زیر تحقیق داشت که با شهادتش این اثر نا تمام ماند.

موصوف یک‌بار ازدواج کرده که سه پسر و پنج دختر از وی به یادگار مانده است. قاضی فایز مدت ۱۳ سال در مسلک مقدس قضا و وظیفه‌ی محوله را با کمال صداقت و ایمان‌داری انجام داد که کارکرد و رفتار نیکش زبانزد عام و خاص است. سر انجام موصوف در شام‌گاه روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۱ بعد از ادای نماز شام حینی که از مسجد به سوی منزلش در حرکت بود، در مسیر راه از سوی افراد ناشناس مورد سوء قصد قرار گرفته و در نتیجه به درجه‌ی اعلای شهادت نایل گشت.

... ادامه فرهنگ جاهلیت:

اما برعکس، اگر در جامعه‌ی محور علم و دانش باشد، دانشمندان مورد احترام قرار گیرند، مردم به سراغ ایشان بروند و حرفی که پذیرفتنی و اول باشد حرف دانشمندان است، آنجاست که جمعیت به سوی علم و دانش کشیده می‌شوند و تمام افراد بشر در آن اجتماع تلاش می‌کنند خود را اهل علم و دانش و فرهنگ بگردانند تا به آن محور نزدیک شوند. آنچه امروز در شماری از کشورهای منطقه – به ویژه افغانستان – محور شخصیت و ارزش قرار گرفته و همچنان روز به روز بیشتر از پیش حرکت صعودی خویش را می‌پیماید، همین ویژگی ثروت‌محوری و گرایش به مال دنیاست که به طور گپیچ‌کننده‌ی دامن مردم را چنگ زده و افراد جامعه قادر به رهایی از چنگال آن نیستند.

امروز در بین افراد جامعه یک نوع کج‌اندیشی و انحراف فکری به وجود آمده که مردم حاضر نیستند دختران شان را به کسانی بدهند که ثروت و دارایی کمتری در اختیار دارند – حتا دختران حاضر نیستند با آنها ازدواج کنند – یا با کسانی رفاقت، دوستی و همراهی نمایند که ثروت‌شان علم و دانش و فرهنگ و معنویت است.

بلکه تمام تلاش و توان خویش را مصرف می‌کنند تا با کسانی پیوند خویشاوندی و دوستی برقرار نمایند که دارای پول، دارایی، ساختمان، موتر و... باشند.

بسیاری از مردم را می‌شنویم که می‌گویند: باید با فلان کس دوستی و رفاقت کنیم، چون آدم پول‌دار و ثروت‌مندی است که اگر روزی محتاج و درمانده شویم، به درمان می‌خورد ولو که آن شخص از فرهنگ و اخلاق کافی هم بهره‌ی چندانی نداشته باشد، یا می‌گویند: باید با فلانی پیوند خویشاوندی برقرار نمایم و به او دختر بدهیم، چون شخص قدرتمند و ثروت‌مند است، اگر به مشکلی گرفتار شویم یا تنگ‌دستی به سراغمان بیاید، او مارا یاری خواهد کرد. اما جنبه‌ی اخلاقی، فکری، فرهنگی و انسانی او، در نظرشان هیچ مطرح نیست که آیا این آدم می‌تواند با رفتار و اخلاق خویش با ما سازگار باشد یا خیر؟

در زمان جاهلیت، محور شخصیت و اعتبار انسانی، «الْمَالُ وَالْبَنُونَ» بود. یعنی هر کس اموال فراوانی داشت و فرزندان بیشتری او را همراهی می‌کردند، او بود که از شخصیت بهتر و قدر و منزلت بالاتری در بین مردم آن زمان برخوردار بود.

زمانی که خورشید تابناک عالم معنا، سردار دو جهان حضرت محمد مصطفی(ص)، به رسالت برگزیده شدند، جمعیتی از مشرکین گفتند: چرا قرآن به یک شخصیت برجسته و ثروت‌مندی از مکه و طایف نازل نشده؟ محمد یتیم، تهی‌دست و فقیر، چه شخصیتی دارد که قرآن برایش نازل شود؟ زیرا به برداشت ناسنجیده‌ی ایشان، شرف و عزت و چرخشگاه شخصیت انسانی، مال و ثروت و متاع بی‌ارزش دنیا بود. ولی زمانی که پیامبر آمد چرخشگاه شخصیت را عوض کرد و گفت: خداوند شمارا پیدا کرده و قبایل گوناگون قرار داده، ولی شخصی در نزد خدا بهتر و گرامی‌تر است که تقوای الهی پیشه کند. آنگاه، محور شخصیت تغییر کرد، ثروتمندان پول‌پرست از خودراضی، از صحنه بیرون رفتند.

هنگامی که خداوند حضرت موسا علیه السلام را به پیامبری انتخاب کرد و برای هدایت فرعون آمد، لباس چوپانی در تن داشت و همان عصای چوپانی در دستش بود، فرعون و فرعونیان شگفت زده شده و گفتند: تو آمدی ادعا داری که پیامبر خدا و آدم باشخصیتی هستی، پس لباس فاخر و دست‌بند طلایت کجاست؟ چون مایه‌ی برخورد بالیدن و اصل شخصیت دست‌بند طلا، لباس فاخر و چیزهای بی‌اساس ازین دست بود. بی‌خبر از اینکه خداوند – مخصوصاً – حضرت موسا را با آن لباس و عصا و قیافه می‌فرستد تا محور و چرخشگاه شخصیت را در جامعه تغییر دهد و افراد جامعه را به سوی محور اصلی بکشاند. نتیجه‌ی بحث بالا این می‌شود که با شیوع فرهنگ بی‌اساس پول‌محوری در اجتماع و چشم‌پوشی از جنبه‌های اسلامی، انسانی، فرهنگی و علمی افراد، سبب می‌شود که شباهت جامعه‌ی مان با زمان و فرهنگ جاهلیت خیلی تنگ‌تر و نزدیک‌تر شود، فرهنگی که خدای جهانیان فرستاده‌گان خود را مبعوث کرد تا این فرهنگ نا سنجیده و دور از انسانیت را از بین اقبشار جامعه‌ی عرب جاهل، بردارد و فرهنگ استوار اسلامی، تقوا و معنویت و علم و دانش را محور شخصیت انسان‌ها قرار دهد، اما امروز کم‌کم سعی می‌شود تا باز آن فرهنگی که سال‌ها منطق آگاه بر حالش گریه کرده است، دوباره در جامعه رونق بیابد، آن‌هم جامعه‌ی اسلامی!

چگونگی استفاده از فیسبوک (رخنامه)

به شخصیت کابران آن بستگی دارد

|| نجیب صبا ||

رخنامه یا فیسبوک که اکثرن به آن آشنایی داریم یکی از شبکه‌های اجتماعی می‌باشد که میلیون‌ها کاربر در سراسر جهان دارد؛ این شبکه در واقع هم تفریحی، هم آموزشی و هم خیلی جنجالی می‌باشد؛ ویژگی فیسبوک در این است که هرکس می‌تواند به آسانی و با هزینه‌ی اندک از آن استفاده کند و هر آنچه در دل دارد نوشته کند و با همگان شریک سازد؛ همین مساله است که سبب شده تنوع مطالب و تصاویر در فیسبوک خیلی قوی حس شود و به هر خواست و سلیقه‌ی تصاویر و مطالب موجود باشد.

همین شبکه اجتماعی فیسبوک توانسته با عبور از دل کوه‌های خیلی بزرگ و عظیم، خود را به ولایت غور برساند و جامعه‌ی غور را با فرهنگ کهن و داشته‌های بزرگ معنوی‌اش با خود بگیرد. اینجا دیگر مسوولیت روشن‌فکران، فرهنگیان، بزرگان، جوانان و تحصیل‌کردگان غور خیلی برجسته می‌گردد تا بزرگی و عظمت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی غور را برای همگان ثابت سازند.

شبکه‌ی اجتماعی فیسبوک خیلی حساس تر از اجتماعی که در آن حضور فیزیکی داریم می‌باشد، چراکه درین اجتماع اکثرن کسانی حضور دارند که از طبقه‌ی با سواد، روشن‌فکر و چیزفهم جامعه‌ی خودشان هستند.



هدف من از نوشتن این چند سطر این است که درین اواخر بعضی از کاربران عزیز غوری دست به ساختن فیسبوک‌های مستعار زدند و یا هم از آدرس خود برای اینکه اشخاص مخاطب‌شان حضور فیزیکی در نزدیک شان ندارند به اهانت و ناسزا گویی می‌پردازند و ازین طریق به بزرگان اقوام و یا خود اقوام می‌تازند که این کار اصلن به هیچ دین، مذهب، اصول و مقررات جای ندارد، انتقاد و انزجار از خود، اصول و چارچوبی دارد، و نباید ازین اصول خارج شد.

کسانی که به شبکه‌ی اجتماعی فیسبوک سروکار دارند طبقه‌ی روشن و با سواد جامعه هستند و هیچ‌گاهی به الفاظ رکیک و اهانت‌آمیز ارزش قایل نیستند، کسانی که الفاظ زشت، ناپسند و غیر اخلاقی را به کار می‌برند در واقع اخلاق خانوادگی و اجتماعی خودشان را به نمایش می‌گذارند. بنابراین از تمام کاربران عزیز شبکه‌های اجتماعی تمنا دارم که سبب بدنامی اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی مردم غور نشوند و بزرگی اجتماعی و اخلاقی اجتماع و خانواده‌ی خودشان را حفظ کنند.

فرهنگ جاهلیت در جامعه‌ی ما حاکم شده است

محور شخصیت جاهلی جایگزین محور شخصیت اسلامی می‌شود

آنچه تجربه نشان داده، حواس بشر آنرا درک کرده و منطقی انسانی آنرا پذیرفته، در هر جامعه و زیستگاه انسانی، محور و چرخشگاهی برای تعیین شخصیت انسان‌های جامعه وجود دارد که افراد جامعه تلاش می‌کنند به آن محور برسند.

برای نمونه باید گفته شود که اگر در جامعه‌ی، پول، دارایی و اموال دنیا بیشتر مطرح باشد و محور شخصیت قرار بگیرد، و کسانی که دارایی و ثروت دارند مورد احترام و توجه مردم باشند، در مجالس و محافل حرف اول را ایشان بزنند، پس در چنین جامعه‌ی محور، اسکناس، پول، ثروت و دارایی شد و جمعیت کوشش می‌کنند به دور آن محور بچرخند و به سوی آن حرکت کنند ... ادامه صفحه ۳

جواز فعالیت ماهنامه‌ی فکر نو



چهل پروژه‌ی مفید دیگر

|| لید | احمدی مسوول زون غرب برنامه همبستگی ملی ||

با تکمیل چهل پروژه‌ی برنامه‌ی همبستگی ملی در ولایت غور تعداد ۴۶۶۱ فامیل از آن مستفید گردیده اند. این پروژه‌های برنامه‌ی همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دها، به هزینه‌ی سی و شش میلیون و نه صد و هشتاد هزار افغانی، در ولایت غور به بهره‌برداری سپرده شد. این پروژه‌ها در ولسوالی‌های دولتیار، دولینه، ساغر و تولک ولایت غور مورد استفاده مردم قرار گرفت. مسوولین برنامه‌ی همبستگی ملی در ولایت غور می‌گویند: «این پروژه‌های انکشافی شامل اعمار دیوارهای محافظی، کانال‌های آب زراعتی، ذخیره‌های آب زراعتی، بندهای آب‌گردان، برق‌های آبی کوچک، مراکز اجتماعی، پلچک‌ها، حفر چاه‌های آب آشامیدنی و تمدید شبکه‌ی آب صحی آشامیدنی می‌باشد.

باید گفته شود این که از مزایای پروژه‌های عام‌المنفعه‌ی بالا، تعداد ۴۶۶۱ فامیل مستفید گردیده و گام مفید و ارزنده‌ی است که در راستای ترقی و انکشاف ولایت‌ها و ولسوالی‌های کشور برداشته می‌شود.

قابل یادآور است که برنامه‌ی همبستگی ملی از شروع فعالیت هایش در ولایت غور تا اکنون، مبلغ ۴۷۲۸۸۵۸۶۸۹/۱ افغانی را در تطبیق ۲۹۰۶ پروژه‌های عام‌المنفعه که شامل سکنتورهای ترانسپورت، شبکه‌ی آب‌رسانی، برق، کانال، آموزش، مرکز اجتماعی و معیشت می‌گردد، به مصرف رسانیده است.